بررسی دلایل افت کیفیت وتولید سفال وسرامیک ایران دردوران قاجاریه

محمدفتحی
مربی رشته نقاشی گروه هنر دانشگاه فرهنگ و هنر ارومیه
محمدباقراشرفیان بناب
Email:
دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی دانشگاه هنر تهران
(تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۵/٤ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/٦/۲۸)

چکیده

سفال، کاشی و سرامیک ایران باسابقه ی قابل توجه خود که دردوره های مختلف تاریخی فراز ونشیب هایی را تجربه کرده است؛ دردوران قاجاریه علیرغم حمایت های برخی پادشاهان از صنعت سفال، کاشی وسرامیک؛ به دلیل رشد بی سابقه ی واردات محصولات ازکشورهای خارجی با چند مساله ی مهم مواجه شد.تعطیلی بسیاری از کارگاه های تولیدی و تولید برخی محصولات با کیفیت پایین جهت فروش راحت آنها،ازجمله تبعات بازگشایی دروازه های خارجی به روی بازار سفال، کاشی و سرامیک ایران درآن دوران بود.

واژگان کلیدی: دوران قاجاریه، سفال، کاشی، سرامیک، واردات، کارگاه های تولیدی

مقدمه

در دوران اسلامی نیز همانند دوران ماقبل رونق و رواج و پیشرفت سفال، سرامیک و کاشی همچنان تداوم داشت و حکومت‌ها نقش مهمی در ترویج و توسعه این‌گونه صنایع دستی داشته‌اند. نواحی مهم سفال و سرامیک ایران همواره به نام شهرهای بزرگ روزگار که فعالیت‌های هنری مؤثری در آن‌ها انجام می‌گرفته است، نام‌برده می‌شود و لیکن روستاها وشهرهایی کوچک نیز بوده‌اند که درمتن تاریخ درزیرسایه نام های شهرهای پررونق اعصار،فراموش وخاموش شده اند.بیشتر از سلطان آباد، ری، کاشان، تبریز، گرگان ،مشهد ، استرآباد(گرگان)، نیشابور و تپه های باستانی مشرف به تمدن های کهن و چند شهر بزرگ دردوران پررونق تاریخ هنرایران به عنوان مراکز هنر سفال وسرامیک نام برده می شود.سیر هنرسفال ایرانی درطول تاریخ حکومتهایی چون سلجوقیان و تیموریان و صفویان به ابتکارهایی درساخت و لعابکاری و فرم ها و کاربردها و بیشتردرتکنیک ها رسید که پویایی آن را نسبت به جوّ زمان وحکومت های غالب برآن نشان می دهد.سیراین هنر از دوران سلجوقی که ابتکارهنرمندان را در لعابکاری و برخوردهایی مبتکرانه با فرم و تکنیک هایشان می دهد تا دوران صفویه که دورانی پررونق را نشان گراست. اما اگر از دوران کوتاه افشار و زندیه به حکومت پرماجرای قاجاربرسیم ،دراین دوره شاهد افت قابل احساسی درتکنیک ها و بیش از همه در مرغوب بودن آثار و البته کم رونق بودن بازار آنها مواجه می شویم.عوامل متعدد داخلی وخارجی قابل مطالعه ای دراین امر دخیل بوده اند که در قیاس با دوران صفویه که زمزمه های اولیه ی افت کیفیت وکمیت محصولات سفال وسرامیک دوران قاجاریه رادراواخرآن دوران(صفویه) می توان شنید و کاوید، بسیار قابل اعتناتر بوده است.

نفوذ خارجی از شرق وغرب

مراودات فرهنگی هنری ایران به چند دلیل در دوره های سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان و متعاقب آن درصفویه با چین تاثیرخود را نهاده است، می توان ریشه های فرهنگی حکومت اقوامی که موثر از فرهنگ چین در ایران حکومت های بزرگ تشکیل دادند و نیز صادرات وتولیدات همواره قابل توجه چین درصنایع دستی وبه خصوص درسفال وسرامیک و وجود جاده ی ابریشم در اتصال تجارت چین وایران را ازدلایل متعددآن دانست ؛ولیکن این امر دلایل دیگری چون رغبت خود ایرانیان وبه خصوص سران حکومت ها به صنایع دستی سفال و سرامیک چینی دردوران صفویه، توسعه ی روابط اقتصادی وتبادل صنایع دستی ونگاه ستایش گرایانه به مرغوبیت آثارچینی را نیز می تواندربرداشته باشد که با ورود محصولات یا مواد اولیه وحتی تقلید از سبک کار و مهاجرت پیشه وران صنایع سفال وسرامیک خودنمایی می کرد.«پادشاهان که شیفته چینی آلات چین

بودند،زمینه را برای تولید قطعاتی که به لحاظ ظرافت وسفیدی خمیرشان بسیارشبیه چینی های چین بودند،فراهم کردند...شرکت هند شرقی پس از بسته شدن مرزهای چین ،چینی آلات چینی را در ایران تولید وآنهاراصادر می کرد.» (مایدا،۱۳۹۲،ص۵۰)تاثیری که این جریان برهنر سفال وسرامیک ایران گذاشت، درتغییر فرم ها وتزیینات نیز خودنمایی می کرد .دربسیاری از موارد تصاویر تزیینی فرهنگ چینی به کارتزیین سفال ایرانی درآمد و تصاویری مانند اژدها و ابرهای خاص چینی متفاوت از آنچه درنگاره های ایرانی کتب دیده می شود بربدنه سفال ها جان گرفت و تکنیک،فرم ورنگ به این جریان روی خوش نشان داد. «سفالگران صفوی شاید به لحاظ تاثیر ناشی از سکونت سیصد سفالگر چینی و خانواده هایشان در ایران که به وسیله شاه عباس اول به این کشور آورده شده بودند، انواع تازه ای از سفالینه های آبی- سفید ملهم از چین را رواج دادند، بسیاری از این سفالینه های چینی وار در پاسخ به تقاضای اروپا ساخته می شد؛ اما نقش های هنر شاخص تر ایرانی نیز براین قبیل ظروف دیده می شود.»(هیلن برن۱۳۸۵،ص۲٤۸) محصولات با کاربردهای غیر صادراتی نیز شکل و شمایل چینی به خود گرفته بودند «حتی در اشیایی مانند قلیان که ذاتاً غیر چینی هستند طرح های چینی به کار برده می شد»(ایروین،۳۲۸،ص۱۳۸۹)گویی نگاه ایرانی رنگ چینی به خودگرفته بود. سفارش دهندگان اروپایی این آثار چینی مابانه را به نام هنر ایرانی می خریدند.«سفالگران ایرانی از سبک های همکارانشان در خاور دور که در روزگار صفویان سبک های بزرگی بودند، تاثیر پذیرفتند. چنانکه ایران در صدور سفال به اروپا با خود چین برابری می کرد.» (زکی ،۱۹۰،ص۱۳۷۷) چنین شده بود که دست هنرمندان ایرانی از تولید آثار فاخر دوران سلجوقی و تیموری تا حدود زیادی عاجز مانده بود. البته باز کارگاههایی بودند که اصالت هنری خود را به دلایلی حفظ کرده بودند؛ اما آن روند افت کیفیت و حتی تزیینات که در دوران قاجار خود را بیشتر از هر زمانی نشان می دهد از دوران صفویه شکل گرفت و نمی توان گفت در ترمز پیشرفت های اوج دوران سرامیک وسفال ایران بی تاثیرنبوده است.از سوی دیگر جنگ های طولانی از اواخر صفویه وسقوط اصفهان و قتل عامی که افغان ها در اصفهان که مرکز تجمع هنرمندان بزرگ بود انجام دادند درمرگ بسیاری از تجربیات عالی هنری صفویه و عدم انتقال دانش ها و فنون به نسل های بعد موثر بود.

دوران افشار و زند که علیرغم آرامش ورونق نسبی دوران کریم خان زند، دوران سکوت و رکود بسیاری از هنرنمایی های ایرانیان در قیاس با دوران پیشتر خود بود، وقتی از پل زند به قاجاریه رسید، رنگ و رویی نو یافت. البته با نگاهی مقایسه ای به این بازگشایی در صفویه و قاجار باید گفت بازگشایی جدی دروازه های

ایران به روی بازارهای اقتصادی خارجی ومراودات مهم اقتصادی در دوران شاه عباس هوشمندانه اتفاق افتاد؛اما دردوران قاجاریه قدرت سیاسی ونگاه حریص اروپاییان به ایران وضعف سیاسی بسیاری از پادشاهان قاجار،چندان انتفاعی را شامل ایرانیان نکرد.«دردوران اولیه ی سلطنت قاجاریه که قریب ٤٠ سال به طول انجامید،آغامحمدخان و فتحعلی شاه به ترتیب زمام سلطنت را در دست داشتند.این دوره با مهم ترین وقایع تاریخ دنیا مثل انقلاب فرانسه وظهورناپلئون اول وتوجه خاص بعضی از دول اروپایی به ایران مصادف می شود و یکی از شدیدترین وطولانی ترین محاربات دوره ی جدید ایران دراین زمان اتفاق افتاد»(شمیم، ٤١،ص١٣٨٧)دردوران محمدشاه وجانشینان دیگر مثل ناصرالدین شاه که بیشترین دوران سلطنت را تجربه کرد تا انتهای این حکومت تنوع تحولات سیاسی واجتماعی ناخودآگاه بررکود بسیاری از پیشه ها تاثیرگذاشت. از سوی دیگر روی خوش نشان دادن به مظاهرمدرنیته، سنت های معمول هنری را تا حدودی به چالش کشید.سفرهای متعدد جهانگردان به طمع میراث کهن ایرانی یا تجارت و بازاریابی یا هزاردلیل ومقصود دیگردراین دوران درحیات اجتماعی واقتصادی وحتی تحولات هنری پیشه وران وهنرمندان تاثیراتی بزرگ برجای گذاشته بود.«اگردرتمامی قرن شانزدهم شاردن فرانسوی،برادران شرلی انگلیسی،چندتن کشیش مسیحی پرتغالی و اسپانیایی،معدودی تاجر وچند مستشرق که تعدادشان جمعاً به انگشتان دو دست نمیرسیدند،ازغرب به ایران آمدند؛درنخستین دهه ی قرن نوزدهم چندین برابرمجموعه ی کسانی که ظرف دویست سال ازایران دیدن کرده بودند وارد ایران شدند.»(زیبا کلام،١٥١،ص١٣٨٧)پیشه وران صنایع دستی از جمله سفالگران وسرامیک سازان وکاشیکاران دردوجریان منشعب از مهاجرت مستشرقین وجهانگردان وتجارخارجی تاثیرگرفتند.ازسویی سفارش ونوع خرید های این میهمانان ناخوانده و از سوی دیگر نگاه غرب زده پادشاهانی چون فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه به هنرغرب که درنقاشی های آن دوره هم بسیارمشهود وملموس است، والبته عوامل وجریان های بسیاری دیگر در این جا مهم می نمود.

رواج گل فرنگی ها تصاویر ملهم از نقاشی های غربی به خصوص آنچه درتزیینات کلیساهای اروپایی دیده می شود وشخصیت های اساطیریونانی را دربرمی گیرد برروی کاشیکاری های تزیینی برخی خانه های اعیان وعمارت های خاص ونیز رواج شیوه ی نقاشی کاشی با تصاویری که داستان هایی از عصر جدید را روایت می کرد، مثل آنچه بر ورودی باغ ملی در تهران می بینیم وحتی شیوه ی جدید گل و بته نگاری به سبک مینیاتورهای انگلیسی برکاشی های مسجد شاه تهران(امام)وعمارت کاخ گلستان وبرخی عمارت های قدیمی خصوصی،فارغ از نوع اعمال سلیقه ازطریق

هرسفارش دهنده ای یا اختیار خود هنرمند در انتخاب شیوه ی تزیین خود؛ نشانگرتغییر ذائقه ای در تزیینات کاشیکاری این دوره می باشد.درسوی دیگرکیفیت کاشی ها نسبت به پیش بسیار نازل بود.تهران که تمرکز هنرها به دلیل پایتخت سیاسی وفرهنگی بودن درآن دوره، نشانه های زیادی را از این نوع تنزل کیفیت نشان می دهد، عمارت هایی را در خود داشت که درشیوه ی خاص تزیین ایرانی قابل مقایسه با سابقه ی آن درتزیینات معماری نبود.«به طور کلی کاشی درتهران، اصفهان،قم ،کاشان،نطنز وهمدان ساخته می شد که البته هیچ یک خوب و مرغوب نبود.بااین وجود،درخراسان و در روستای ناهیه سفالگران یک نوع کاشی آبی رنگ زمخت و باکیفیت عالی درست می کردند،اما کسی از آن چیزی نمی دانست.کاشی ساخته شده درمشهد،ازآنچه درسایر شهر های ایران درست می شد، بهتر و باکیفیت تربود.»(فلور،۸۵،ص۱۳۹۳)ساخت عمارت های باشکوه سلطنتی ومذهبی درتهران هنرنمایی کاشیکارانی را می طلبید که بتوانند از عهده ی پروژه های فاخر بربیایند والبته طبق آنچه که پیشتر گفتیم بسیاری از تجربیات هنراصیل سرامیک وکاشی ایرانی کاملاً به نسل هنرمندان قاجار نرسیده بود. حکومت علاقمند حمایت از ساخت عمارت های باشکوه بود.«به عنوان نمونه فتحعلیشاه(۱۸۳٤-۱۷۹۷م) هزینه ی مرمت وساخت بناهای جدید رادرمجموعه ی زیارتگاهی قم برعهده گرفت.این بدین معنا بودکه نه تنها خشت وآجر، بلکه کاشی های لعابدار نیز برای تزیین این بنا ها مورد نیاز بود.به گفته راشوئا،جهانگرد،اولین کوره های کاشی به زمان قاجاربه آن دوره بازمی گردد.»(فلور،۱۳۹۳،ص۹۰)مرمت ودستورساخت بناهای مذهبی فرصتی برای هنرنمایی کاشیکاران بود.دراین میان ساخت کاخ ها نیز خود زمینه ای برای هنرنمایی پیشه وران صنایع دستی بود.«فتحعلیشاه درعالم پشتیبانی از هنرها،پیش از هرچیز به ساختن کاخ هایی درتهران وکاخ های تابستانی در استرآباد وساری درشمال ایران می پرداخت»(آژند،۱۳۸۹،ص۷۷۹)کاشی های این دوران، اولین نشانه های رنگ های خاص دوره ی قاجاریه مانند سبز قجری و قرمز و زرد خاص قاجار که به سبز متمایل است وغالب بناهای مزین رادر برمی گیرد،نمایان ساخت که بعدها اسلوب هنرنمایی کاشیکاران شد.اماکیفیت آثار از نظر دوام وجلوه با دوران شکوه کاشی های تیموری وصفویه فاصله نشان می داد. «درزمان حکومت محمدشاه (۱۸٤۸-۱۸۳٤م)حتی تلاشی آگاهانه درجهت رشد و بالندگی فناوری صنعتی صورت گرفت؛ که این امر تحت حمایت وهدایت نخست وزیرشاه،حاجی آغاسی (۱۸٤۸-۱۸۳٦م) تحقق یافت.»(فلور،۱۳۹۳،ص۹۰)ضعف کیفیت کاشی های این دوره به زعم هنرشناسان نازل ترازآن بودکه حتی توسط بسیاری از دزدان کاشی های عمارت های آن دوره دراصفهان وکاشان

ومشهد وتبریزو..کنده شود و به اروپاییان فروخته شود.ارزش کم این کاشی ها درعمارت های ساخته شده حساسیتی ایجادکرده بود که«بوره-شرق شناس فرانسوی-که درآن زمان در ایران زندگی می کرد،درژانویه ۱۸۳۹ م به دولت فرانسه می نویسد که شاه راغب بود که صنعت کاران فرانسوی را درزمینه ی کاشیکاری به ایران دعوت نماید.این اقدامات وابتکارات هرچند ازروی حسن نیت بودند،دربرنامه ای هماهنگ وملی و با هدفی مشخص درجهت دستیابی به غایتی معلوم وتعریف شده جان می گرفتند و ازاین رو با مرگ وبی میلی حامی آن به سرعت از چرخه خارج می شدند.» (همان،۹۱:)حمایت های برخی افراد رده بالای حکومتی از صنعت سفال وسرامیک و کاشی می توانست جریان هایی خوب دراین عرصه فراهم آورد ؛ولیکن به دلیل عدم انسجام ودلایل دیگر هیچگاه از پی این نوع حمایت ها و رونقی که از نتایج سابقه ی این هنردر ایران انتظار می رفت، دردوران قاجاریه خبرخوشی به گوش نرسید.«ملک قاسم میرزا،عموی محمدشاه وحاکم ارومیه شخصی بود که حتی خودش کارخانه ی سرامیک سازی راه انداخت.پرکینزموسس کالج پرسبیتری دراورمیه از کارخانه ی این شاهزاده درسال ۱۸٤۰بازدیدکرده بود.»(همان)اینکه دراورمیه ی دوره ی قاجار علیرغم چنین سرمایه گذاری،نشانه های رونق این صنعت دیده نمی شود،می تواندشاهدی برادعای پیشین باشد.

واردات سفال وسرامیک ومرگ کوره های سنتی

کیفیت نازل سفال وسرامیک ایرانی بازارهنرمندان رابه رکودکشانیده بود وتنوع وتعدد ساخته ها بسیارنازل پیش می رفت.آنچه که پیش تر از جریان واردات ،سلیقه ی سفال چینی وحتی اشتغال هنرمندان چینی درایران صفوی گفتیم،درمیانه های حکومت قاجاربه صورت بسیار جدی تر وشدیدتر درواردات محصولات اتفاق افتاد و هنرمندان فعال بسیاری از شهرها و روستاها درمواجه با آن تسلیم سه جریان منفی شدند. یا کلاً حرفه سنتی خود را کنارگذاشتند و کوره های ساخته شده،معدوم و متروک گردید و یا با سلیقه ی آنچه که وارد می شد، نگاهی مقلّدانه به آن دوختند و یا اینکه به ساخت محصولاتی ساده ونازل ومحدودتر از آنچه که می باید مشغول شدند؛که نفسی اندک ازحیات سفالگری رادرکارگاه های خودحفظ کنند.

دانش فنی سفالگران ایران درطول تاریخ ازپی آن جنگ های خانمان سوز وبنیادبرافکن وهنرمندکش ونظام خاص آموزش فنون هنری که عموماً با خساستی ویژه انجام می گرفت،دراین دوره درکیفیت آثارمشهودبود؛ اما از سوی دیگر تاراج سفالینه ها وسرامیک وکاشی های به جای مانده از دوران باشکوه هنرایرانی که با خریدارهای پراشتهای اروپایی مردم را به دزدی از به جای مانده های نیاکان خود وامی داشت،کم کم صدورآثارفاخراین

صنعت به صورت بی نهایت ناموزون ونامطبوع به کشورهای خارجی به خصوص روسیه واروپای آن عصررا درپی داشت که کمبودآن بعدها باعث شد که جعل وشبیه سازی های آن آثار دربرخی شهرها مثل اصفهان تولید وبه خریداران خارجی عرضه شود.ورود محصولات مصرفی به صورت بسیار زیاد از سوی انگلیس وهند(بیشترمحصولات چین راصادر می کردند)والبته روسیه بازار هنرمند ایرانی را به رکود کشانید.«تا اواسط سده ی نوزدهم میلادی وسایل روزمره (کتری، فنجان، گلدان،جاشکری،ظرف)ازروسیه واردمی شد ومحصولات ظریف تر از بریتانیا.علاوه براین دراواسط دهه ی ۱۸۵۰م واردات بشقاب به ایران آغازشدکه البته خو دبدعتی نوبه شمار می آمد؛زیرا ایرانیان داخل بشقاب چیزی نمی خوردند و جای دیگرهم ازآن استفاده نمی کردند.»(همان،۹٤)فرهنگ ایرانی تحت تاثیراین جریان بشقاب را هم پذیرفت و درپی آن انواع عادت ها به تبع وارداتی که ازروسیه وانگلیس وسایرملل مرسوم می شد،تغییراتی درفرهنگ مصرفی پدیدآورد.درد ِاین قضیه درعدم اقبال تنها مشتریان به جای مانده از گروه متوسط جامعه برای سفالگر وسرامیک کار ایرانی بود که دیگر از واردات ارزان قیمت چین که از هند با نگاه اقتصادی انگلیس که آن سرزمین رادرتسخیرخود داشت،و محصولات روسی را به جای تولید ایرانی استفاده می کردند.ثروتمندان نیز که اقبال زیادی به ظروف فلزی وارزشمندتر نشان می دادند ونوع دیگری از محصولات چینی وانگلیسی فاخر وگرانقیمت نیز به نام این گروه وارد می شد.اکنون تصورکنیم وضعیت تولید سنتی ایران درآن دوره چیزی جز ترک کوره ها وکارگاه های کوچک و بزرگ نمی توانست باشد.هنرمند سفالگر وسرامیک کار دیگر جزدرمواردی اندک که به تقلید از فرهنگ وارداتی تن داده بود،نای نفس کشیدن دراین عرصه ی پرهجمه رانداشت.

سفالگران خرد درروستاها ودهستان های کوچک ودورافتاده که ازاین جریان دوربودند همچنان به حیات خود ادامه دادند.برخی کارگاه ها در شهرضا وتبریز ولالجین نیز هنوز می توانستند با تولید محصولاتی ساده وگلدان ها وظروف کم هزینه وارزان قیمت تداوم یابند،اما رونقی که بازار واردات محصولات خارجی داشت در کارگاه های ایرانی دیده نمی شد. کاشیکاران با وجود این اما در بسیاری از پروژه های سلطنتی فعال بودند ومساجد، کاخ ها و مقابرخاص آن دوره را با کیفیتی که با پیشینیان صفوی و تیموری برابری نمی کرد،آذین می کردند.

نتیجه گیری

هنرسفال، سرامیک وکاشی ایرانی،علیرغم تجربیات زیاد فنی ورونق پرفراز ونشیب تاریخی خود،بعداز دوران صفویه به دلیل مرگ ومیر هنرمندان با دانش وتجربه ازپی جنگ های خانمانسوز اواخرصفویه تا آرامش نسبی دوره

ی قاجاریه،تجربیات عالی خودرا درتزیین بناها وکاشیکاری ایرانی وساخت سفال وسرامیک های فاخر دوران پیشترخودنداشت.ورود ساخته های هنری از چین، روسیه وانگلیس وحتی اشتغال برخی هنرمندان چینی درایران ونیز فضای جدید حاکم برفرهنگ حکومت ها واجتماع آن دوران ونیزکیفیت پایین دست سازهای این نوع هنردرآن دوره، رکود بازارکارگاه های سفال وسرامیک وکاشی را دربرداشت که به تعطیلی کارگاه ها وخاموشی کوره ها ی سنتی انجامید.عوامل متعدد اجتماعی تاریخی ونیز نگرش جامعه وحکومت وتغییر فرهنگ مصرفی واز طرف دیگر هوشمندی دول اروپایی مانند انگلیس وروسیه درکسب درآمد ازاین راه و واردات زیاد محصولات خارجی با قیمت مناسب وکیفیتی نسبتاً خوب این امررا تشدیدکرد تا به غیر از چندنمونه درشهرهای بزرگ ونمونه های نه چندان جدی از کارگاه های ساده ی روستاهای دور، از هنراصیل سفال وسرامیک ایران دردوره قاجاریه رونقی گزارش نشده باشد.البته دراین میان کاشیکاری درتزیین بناها هنوز بیش از سفال وسرامیک خودنمایی می کرد.

منابع

-آژند،یعقوب،۱۳۸۹،نگارگری ایران، جلددوم،تهران:سمت.

-ایروین،روبرت،۱۳۸۹،هنراسلامی،ترجمه رویاآزادفر،تهران:سوره مهر.

-برند،هیلن،۱۳۹۱،هنرومعماری اسلامی،ترجمه اردشیراشراقی،تهران:روزنه.

-بلر،شیلا؛ام. بلوم،جاناتان،۱۳۸۵،هنرومعماری اسلامی،ترجمه اردشیراشراقی،تهران:سروش.

-زیباکلام،صادق،۱۳۸۷،سنت ومدرنیته،چاپ ششم،تهران:روزنه.

-شمیم،علی اصغر،۱۳۸۲،ایران دردوره سلطنت قاجار،تهران:بهزاد.

-فلور،ویلیام،۱۳۹۳،صنایع کهن دردوره قاجار،ترجمه علیرضا بهارلو،تهران:پیکره.

-مایدا،تادئوش،۱۳۹۲،شاهکارهای هنرایران درموزه های لهستان،ترجمه داودطبایی ومهدی مقیسه،تهران:فرهنگستان هنر.